

دلالت نهی بر مرة یا تکرار؟

در بحث ازدلالات صیغه امر، گفته شده بود صیغه امر دلالت بر مرة و تکرار ندارد، بلکه چون با تحقق یک فرد از طبیعت، طبیعت حاصل می شود لذا با «مرة»، مطلوب آمر حاصل می شود و امر ساقط می شود.

درباره نهی هم مرحوم آخوند همان سخن را مطرح می کنند ولی می نویسند که چون در نهی باید طبیعت معدوم شود و معدوم بودن آن هم با اعدام همه افراد است، لذا این با «تکرار» سازگار است:

«ثم إنه لا دلالة لصيغته على الدوام والتكرار ، كما لا دلالة لصيغة الأمر وأن كان قضيتها عقلاً تختلف ولو مع وحدة متعلقهما ، بأن يكون طبيعة واحدة بذاتها وقيداً تعلق بها الأمر مرة والنهي أخرى ، ضرورة أن وجودها يكون بوجود فرد واحد ، وعدمها لا يكاد يكون إلّا بعدم الجميع ، كما لا يخفى.»^۱

مرحوم آخوند سپس به نکته ای اشاره می کنند و می نویسند:

«و من ذلك يظهر أن الدوام والاستمرار ، إنّما يكون في النهي إذا كان متعلقه طبيعة مطلقة غير مقيدة بزمان أو حال ، فإنه حينئذ لا يكاد يكون مثل هذه الطبيعة معدومة، إلّا بعدم جميع أفرادها الدفعية والتدرجية.»

و بالجملة قضية النهي، ليس إلّا ترك تلك الطبيعة التي تكون متعلقة له ، كانت مقيدة أو مطلقة ، وقضية تركها عقلاً ، إنّما هو ترك جميع أفرادها.»^۲

توضیح:

۱. «استمرار در ترک» در صورتی در نواهی لازم است که نهی به «شرب خمر» به صورت مطلق تعلق گرفته باشد.

۲. ولی اگر ناهی گفته باشد: «در صورتی که روزه هستی غذا نخور» و یا «در حال احرام صید نکن» در این صورت فقط در حال روزه و حال احرام، باید جميع افراد خوردن و صید را ترک کرد.

ما می گوئیم:

۱. در بحث از مرة و تکرار^۳ گفتیم که مراد از تکرار گاه تکرار افراد طولی است (نماز امروز، نماز فردا و ...) و گاه مراد، افراد عرضی است (نماز امروز در منزل، نماز امروز در مسجد و ...)

۱. کفاية الاصول، ج ۱، ص ۱۴۹

۲. همان

۳. درسنامه سال ششم، ص ۱۰۵



حال مراد از تکرار در نهی، عبارت از اجتناب از همه افراد طولی و عرضی. و لذا هم به معنای استمرار (افراد طولی) است و هم اشاره به افراد عرضی دارد (شرب خمر شخص در لیوان یا استکان یا ...)

۲. در بحث از نهی، دو بحث را باید از هم جدا کرد.

الف) یکی اینکه آیا صیغه نهی دال بر مره یا دوام (تکرار) است و لازمه آن این است که اگر نهی دال بر مره باشد، با ترک اولین فرد از طبیعت منهیه (اولین کاسه‌ی شراب را ترک کنیم)، اطاعت حاصل شده است و لذا می توان افراد دیگر را مرتکب شد. و اگر دال بر تکرار شدیم، از همه افراد باید اجتناب کنیم.

ب) اما بعد از اینکه پذیرفتیم، صیغه نهی دال بر تکرار است و همه افراد را شامل می شود سوال دومی مطرح است که آیا دلالت بر افراد، به نحو عام مجموعی است یا به نحو عام استغراقی یعنی آیا همه افراد را با هم باید ترک کرد (و اگر یکی را انجام دادیم، ندارد) یا ترک هر فرد، مطلوبیت خاص خود را دارد.

۳. مرحوم آخوند در عبارتی که از ایشان خواندیم به بحث اول اشاره کرده اند و در ادامه به بحث دوم هم اشاره می کنند:

«ثم إنّه لا دلالة لصيغة على الدوام والتكرار ، كما لا دلالة لصيغة الأمر وأن كان قضيتها عقلاً تختلف ولو مع وحدة متعلقهما ، بأن يكون طبيعة واحدة بذاتها وقيداً تعلق بها الأمر مرة والنهي أخرى ، ضرورة أن وجودها يكون بوجود فرد واحد ، وعدمها لا يكاد يكون إلّا بعدم الجميع ، كما لا يخفى.

و من ذلك يظهر أن الدوام والاستمرار ، إنّما يكون في النهي إذا كان متعلقه طبيعة مطلقة غير مقيدة بزمان أو حال ، فإنّه حينئذ لا يكاد يكون مثل هذه الطبيعة معدومة ، إلّا بعدم جميع أفرادها الدفعية والتدرجية.

وبالجملة قضية النهي ، ليس إلّا ترك تلك الطبيعة التي تكون متعلقة له ، كانت مقيدة أو مطلقة ، وقضية تركها عقلاً ، إنّما هو ترك جميع أفرادها.

ثم إنّّه لا دلالة للنهي على إرادة الترك لو خولف ، أو عدم إرادته ، بل لابد في تعيين ذلك من دلالة، ولو كان إطلاق المتعلق من هذه الجهة ، ولا يكفي إطلاقها من سائر الجهات ، فتدبرّ جيداً.»^۱

۱. كفاية الاصول، ج ۱، ص ۱۵۰



توضیح:

۱. صیغه نهی، به ما هی هی دال بر این نیست که اگر فرد اول را انجام دادیم، آیا باید از بقیه افراد اجتناب کنیم یا نه؟
(بعد از اینکه پذیرفتیم نهی دال بر تکرار است)
۲. اما ممکن است از اطلاق مقتضی صیغه نهی (اگر نسبت به این قید، مطلق باشد) بتوان، «اراده ترک لو خولف» را استفاده کرد.

